

بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس

دکتر فرامرز بریمانی*، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر زهرا نیک‌منش، استادیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سهیلا خداوردی‌لو، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

پذیرش نهایی: 1391/4/8

دریافت مقاله: 1390/12/14

چکیده

توانمندسازی زنان روستایی به معنی قدرت بخشیدن به این قشر از جامعه برای ایفای نقش برجسته در توسعه و مشارکت فعال آنها در تصمیم‌گیری است که یکی از ضرورت‌های دستیابی به توسعه پایدارمی‌باشد. در این میان اعتبارات خرد می‌تواند دسترسی به اهداف توانمندسازی را تسهیل نماید. این پژوهش در پاسخ به این سوال اصلی است: آیا اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی و روانی (اعتماد به نفس) زنان دهستان لکستان شهرستان سلماس موثر واقع بوده است؟ داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای، میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری گردید. جامعه آماری این پژوهش کل زنان دهستان لکستان بود که از آنها نمونه‌ای 225 نفری به روش نمونه‌گیری سهمی انتخاب شد. نتایج با استفاده از آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.

کلمات کلیدی: توانمندسازی، زنان روستایی، اعتبارات خرد، اعتماد به نفس، دهستان لکستان.

1) مقدمه

واژه‌توانمندسازی در متون متعدد و مختلف به وسیله سازمان‌ها و اشخاص مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، و از دهه 1960 میلادی توسط فعالیتهای سیاسی رادیکالیست، گروه‌های توسعه اجتماعی شمال و جنوب، و همچنین فعالیتهای فمینیستی در زمینه‌های آموزش، روانشناسی گسترشیافته است (Oxaal and Baden, 1997: 2).

بررسی‌های انجام شده طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسأله به این دلیل است که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند، زیرا وجود موانع و محدودیتهای فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (خداوردی‌لو و بریمانی، 1388: 2). لذا نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب و همکاران، 1384: 1). در اواخر دهه 1970 و 1980 نهادهای اعتباری خرد در تمام کشورهای رو به توسعه، اساساً از طریق تعدادی از برنامه‌های اعتباری مالی خیریه و دولتی که در تلاش برای شناسایی هر دو نیاز مالی و عمرانی مشتریان‌شان بوده‌اند ایجاد و توسعه یافت (ریکا، 1382: 34). در این راستا سازمان ملل «ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم» اعلام کرده است (شکوری و همکاران، 1386: 2-3) و بانک جهانی نیز سال 2005 را سال اعتبارات خرد نامگذاری و کشورهای در حال توسعه را در بکارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نگین، 1384: 763)، لیکن لایویر¹ (2002) معتقد است برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر همراه باشد (Lavoier, 2002: 100)، و آلین و جیانگ² (2008) متذکر شده‌اند، اگر میزان سرمایه‌گذاری و خوداشتغالی وام‌گیرندگان به اندازه کافی زیاد باشد آنگاه اعتبار کم می‌تواند اقتصاد را از طریق صرفه‌جویی، از رکود به سوی توسعه کامل سوق دهد (Ahlinand Jiang, 2008: 124-123).

از میان کشورهای جهان سوم در زمینه اعتبارات خرد و توانمندسازی زنان، بنگلادش به عنوان کشور پیشرو در قالب گرامین بانک³ با اعطای اعتبارات خرد به فقرا و به ویژه زنان، توانسته سطح درآمد آنها را افزایش دهد (رسول‌اف، 1381: 370). یا «بانک آمانا اختیار مالزی»⁴ با هدف ارائه تسهیلات اعتباری به توده‌های فقیر و ایجاد روحیه خوداتکایی در روستاییان به ویژه زنان سرپرست خانوار تأسیس شده است (همان، 1381: 370). مالزی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیاست که به آن معجزه آسیایی⁵ نیز می‌گویند. در این کشور تا پیش از اجرای برنامه‌های فقرزدایی، فقر در مناطق روستایی گسترده‌تر از مناطق شهری بوده اما در نتیجه اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی در این کشورها طی سال‌های 1985-1995، میزان جمعیت فقیر از 45 درصد به 15 درصد کاهش یافت، این مهم تا حدی به عملکرد

¹. Lavoier, M

². Ahlin, Ch. and Jiang, N.

³. Grameen bank

⁴. Amanah Iktiar Malaysia

⁵. Asian miracle

سازمان‌های تأمین مالی خرد مربوط بوده است (حسن زاده قویدل، 1384: 150). از دیگر انواع بانک‌ها، بانک راکیان اندونزی است. این بانک در سال 1980 به منظور اعطای اعتبارات روستایی تأسیس شد و به افراد وام پرداخت می‌کند. این وام‌ها عمدتاً به سرمایه‌گذاری تولیدی اختصاص دارد. در سال 1993، 24 درصد از 1/8 میلیون قرض‌گیرنده را زنان تشکیل می‌دادند، علاوه بر این، بانک برنامه تجهیز پس‌انداز را نیز تدوین می‌کرد، لذا این بانک در ایفای نقش بانک‌های تجاری با اهداف اجتماعی و اهدای وام به فقرا بی‌نظیر است (حانی، 1381: 263-267).

در راستای توانمندسازی زنان در ایران از طریق اعتبارات خرد سه دوره قابل تفکیک است: دوره اول، اولین صندوق قرض‌الحسنه در سال 1348 در مسجد قدیمی لرزاده تهران به نام صندوق قرض‌الحسنه ذخیره جاوید تأسیس شد، اگر چه این صندوق با جمع‌آوری کمک‌های افراد خیر، به نیازمندان کمک بلاعوض می‌کرد، اما به مرور کمک‌ها را به عنوان سرمایه‌ای جهت پرداخت وام بدون بهره به کار گرفت. دوره دوم بعد از انقلاب آغاز شد و تا سال‌های اخیر ادامه یافت، در این دوره انگیزه‌های سیاسی در گسترش اعتبارات خرد جای خود را به انگیزه‌های اقتصادی کمک به محرومین داد و به سرعت به حجم آن افزوده شد. از سال 1364 کمیته امداد نیز با توزیع وام‌های خوداتکایی و به منظور ایجاد اشتغال در بین خانوارهای فقیر به عنوان یک نهاد جدید توزیع‌کننده اعتبارات خرد، اضافه شد.

در سال 1373 نیز بانک کشاورزی، طرح حضرت زینب (س) را به منظور ایجاد اشتغال در بین زنان بی‌سرپرست و با کمک کمیته امداد آغاز کرد. اگرچه با گذشت زمان اعتبارات خرد هدفمند شد و زنان سهم بیشتری نسبت به دوره قبل می‌بردند، اما در نیمه دوم این دوره تورم اثرات منفی خود را بر جای گذاشت. بنابراین در این میان مهم‌ترین وام‌های خرد شامل:

- الف) وام‌های قرض‌الحسنه (توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه پرداخت می‌شود)
- ب) وام‌های خودکفایی (توسط کمیته امداد و بین خانوارهای فقیر توزیع می‌گردد)
- ج) وام‌های طرح حضرت زینب (س) (توسط بانک کشاورزی تأمین و به وسیله کمیته امداد بین زنان بی‌سرپرست توزیع می‌گردد (خزاعی، 1381: 274-276).

علیرغم تلاش‌های انجام شده، بر اساس آمار سازمان ملل رتبه ایران در میان کشورهای منتخب، در دو شاخص توسعه انسانی (HDI)، توسعه جنسیتی (GDI) به ترتیب 106، 86 اعلام گردید لیکن شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM) محاسبه نشده است (باستانی، 1386: 182).

با توجه به شکل‌گیری نه صندوق اعتباری خرد در شش روستای دهستان لکستان از شهرستان سلماس، استان آذربایجان غربی، این پژوهش در پاسخ به سوالات زیر انجام شده است: اول) آیا اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی مؤثر است؟ دوم) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟

2) مبانی نظری پژوهش

اعتبارات خرد از مباحث عمده در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به مثابه محرک‌های اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، کلید حل معما به شمار می‌رود و به دنبال شکست‌های اقتصادی و ناکامی در کاهش فقر بویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های 1980 و 1990، کارگزاری‌ها و سازمان‌های بزرگ اعطاء‌کننده وام مانند USA ID, ODA-UK و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بیش از پیش بنگاه‌های خرد در توسعه را در قالب برنامه محوری سیاست نئولیبرال جهت کاهش فقر اتخاذ نمودند (ازکیا و ایمانی، 1384: 2).

از زمان گسترش عرضه اعتبارات به مناطق روستایی تاکنون، دیدگاه‌های بازارگرا، دولت‌گرا و جامعه‌گرا مطرح شده است. وجه اشتراک تمامی آنها این است که عرضه اعتبارات در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقش مهمی دارد (معظمی، 1377: 539). لیکن در روش جامعه‌گرا تشویق مشارکت مردمی و ساختار تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از مهمترین ویژگی‌ها به شمار می‌آید. جذب پس‌انداز روستاییان یکی از مهمترین پایه‌های این روش، فرضیه‌ای است مبنی بر آن که افراد کم‌درآمد پس‌انداز دارند اما بیشتر ترجیح می‌دهند، که پس‌اندازهای خود را به صورت غیرنقدی نگهداری کنند. در روش جامعه‌گرا سعی می‌شود که از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود. تحقیقات مایو، راست و لطیفی در آفریقای جنوبی در ارتباط با اعتبارات خرد، فقرزدایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مانند کامرون، اتیوپی، بوتسوانا و کنیا و نیز در آسیای جنوب شرقی بویژه در بنگلادش (بانک گرامین) و هند، حاکی از آن است که اعتبارات خرد با فقرزدایی دارای همبستگی مثبت است؛ و در نتیجه میان اعتبارات خرد و توانمندسازی انسانی (مهارت‌ها، دانش، توانایی انجام کار، بهداشت مناسب، استقلال و ابتکار عمل در تصمیم‌گیری)، اقتصادی (میزان درآمد، امنیت اقتصادی، پس‌انداز و بدهی)، و اجتماعی (شبکه‌ها، گروه‌ها، مراکز عضویت، روابط مبتنی بر اعتماد، دسترسی به نهادهای اجتماعی، دوری از خشونت) رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (معظمی، 1377: 5). بنابراین در زمینه اعتبارات خرد رهیافت‌های خرد متعددی بنا به ماهیت موضوعات پژوهشی و واحدهای تحلیلی اتخاذ گردیده است که مهمترین آنها توانمندسازی زنان است:

- رهیافت توانمندسازی زنان: این رهیافت بر مبنای تألیفات فمینیست‌ها، و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفت و خواستار قدرت دادن به زنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکاء به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی است (کتابی و همکاران، 1386: 11).

اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح خرد و خانواده (تربیت صحیح کودکان، سرپرستی از آنها، مدیریت داخلی خانوار و...) و چه در سطح کلان (کار در مزارع و صنایع روستایی و...)، عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌روند (طالب و نجفی، 1386: 9). در مجموع استقلال اقتصادی و سیاسی در این رهیافت دو جزء مهم به شمار می‌آید و مشارکت مستقیم نیز در حیات اجتماعی توصیه می‌شود (شادلو، 1380: 209).

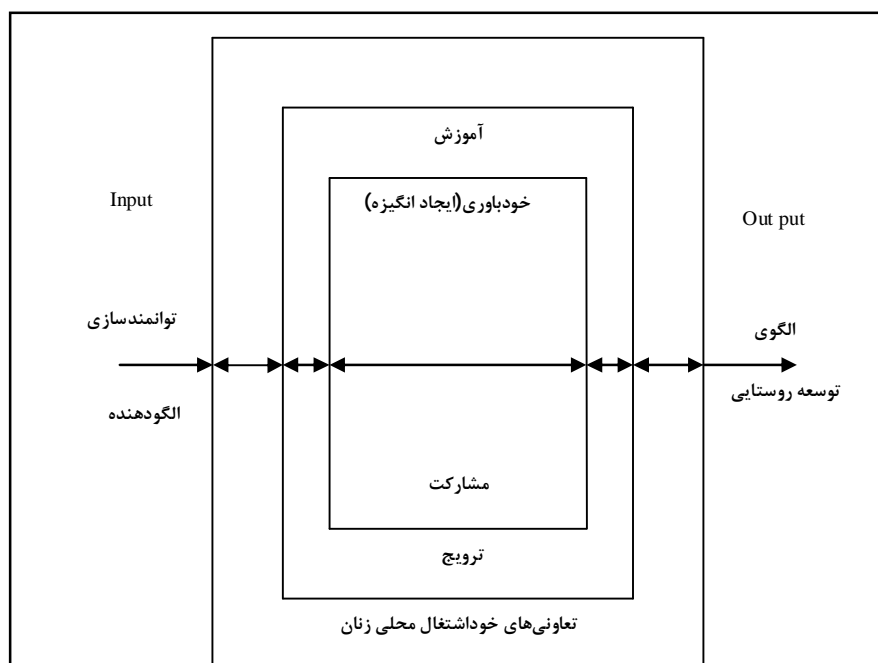
این نظریه بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

- ارتقاء توان زنان برای اتکاء به خود موجب افزایش قدرت آنها خواهد شد.

- قدرت نشانه برتری فرد بر فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند. از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از مقوله اولیه تمام افراد است بنابراین زنان باید بیاموزند که با خودباوری و اعتماد به نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند، نظریه تواناسازی ترکیبی از نظریه‌های رفاه، برابری، و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلندمدت به امید آغاز و ایجاد آن در سطوح بالای تصمیم‌گیری سازمان‌های دولتی باقی‌نمانده بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان (زن و مرد) را ضروری می‌دانند (رودافشان، 1384: 134).

این چارچوب نظری به جای تأکید بر تساوی میان زنان و مردان در همه ابعاد به نابرابری اقتصادی میان این دو می‌پردازد. توجیه دلایل این نظریه را می‌توان چنین خلاصه کرد: برخی معتقدند که بحث فقرزدایی تفاوتی با نظریه برابری (عدالت) ندارد و فقط به دلیل عدم تمایل کشورهای در حال توسعه به موضوع برابری کامل جنسیتی، یک بعد از مسئله نابرابری‌ها و آن هم در بعد کمی و اقتصادی که بیشتر ملموس و قابل پذیرش است، به محور بحث تبدیل شده است. یکی دیگر از دلایل طرح نظریه فقرزدایی علاوه بر مخالفت‌های آشکار و پنهان با نظریه برابری، شکست نظریه‌های نوسازی و راهبردی توسعه متمرکز بر رشد اقتصادی در محو فقر است زیرا حتی در کشورهایی که موفق به کسب رشد اقتصادی مورد نظر خود شدند، توزیع نامتعادل آن بر میزان فقر گروه‌های کم‌درآمد دامن زد، تأکید چارچوب نظری فقرزدایی به امید ایجاد کار، فعالیت اقتصادی زنان، استقلال مالی، کاهش نابرابری اقتصادی و سپس حذف نابرابری در سایر زمینه‌ها تدوین شده است. بنابراین تأمین نیازهای راهبردی جنسیتی در گروه استقلال اقتصادی زنان دیده شده و این مهم‌ترین تفاوتی است که نظریه برابری با فقرزدایی دارد (زیباری، 1383: 107-105).

با نگاهی به نظریات مطروحه می‌توان دریافت که نظریه توانمندسازی برای زنان روستایی ایران، با راهبرد اعتبارات خرد و با ایجاد و تشکیل تعاونی‌های خوداشتغال محلی زنان، صندوق‌های تأمین اعتبار و آموزش و ترویج جهت تغییر فرهنگ قابل پیاده کردن است. در این راه می‌بایست با ضرورت آموزش و مشارکت، خودباوری را در زنان روستایی فراهم نمود که بتوانند در راه رسیدن به توسعه به عنوان مروجان الگودهنده، مطرح باشند و توسعه روستایی را تسریع بخشند.



شکل 1) فرایند توانمندسازی زنان در توسعه روستایی (ماخذ: صلاحی اصفهانی، 1381: 147)

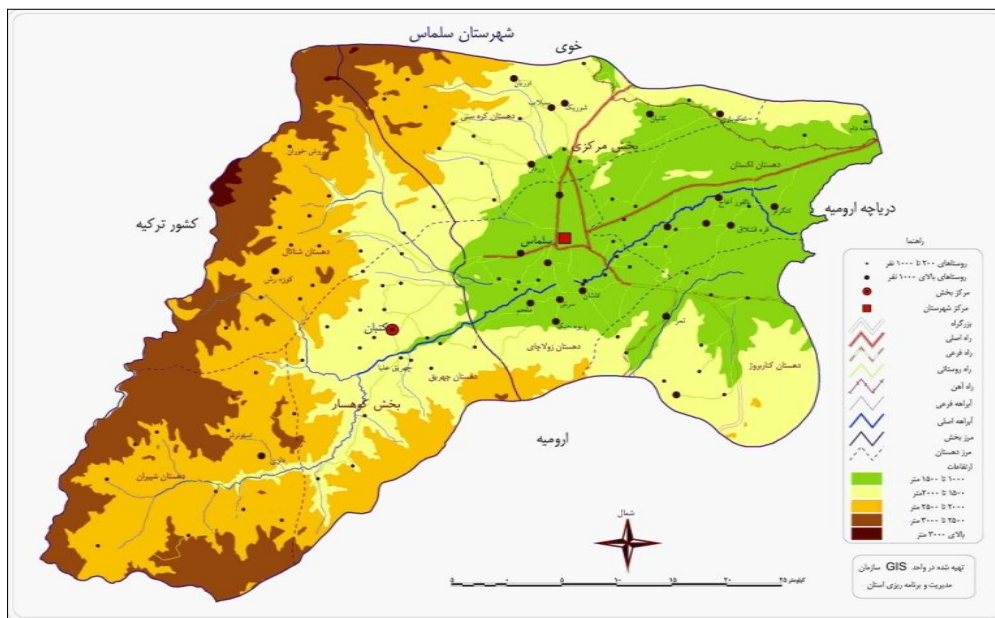
آموزش نقش بسیار اساسی مهم و پیچیده در توسعه دارد و به همین جهت کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره، کلید دستیابی به استراتژی‌های جدید را در فراهم نمودن فرصت‌های بیشتر برای توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به آموزش و فراگیری فنون و اشتغال بیان شده است. در این میان آموزش ابعاد مختلف را در بر می‌گیرد که شامل: آموزش مواد، مهارت‌آموزی، آموزش اجتماعی، تعلیمات اساسی، آموزش کشاورزی، خانه‌داری و... می‌باشد و برآیند این آموزش‌ها منجر به آگاه‌سازی زنان به لحاظ فنی و حقوقی میسر می‌گردد که در فرآیند توسعه گام مهمی محسوب می‌شود، در این میان آموزش اقتصادی، مهم‌ترین وظیفه دستگاه‌های اجرایی فرهنگی است که رواج و اشاعه فرهنگ تعاون و بکارگیری شیوه‌های متناسب و منطبق با اهداف اجتماعی-اقتصادی در سر لوحه آن قرار دارد و با این آموزش‌ها زنان در مخارج خانه و امور خانه بر اساس قواعد و نظم شناخته شده بدون اسراف و تبذیر تدبر کنند و می‌توانند بهتر مدیریت داشته باشند و امکانات اقتصادی یا اعتبارات خردی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، مناسب استفاده کنند (صلاحی اصفهانی، 1381: 148-147).

3) مواد و روش‌ها

الف) عرصه پژوهش: لکستان یکی از دهستان‌های شهرستان سلماس از استان آذربایجان غربی است این شهرستان دارای دو چهره کوهستانی و دشتی می‌باشد. دهستان مورد مطالعه در قسمت دشت (1500-1000 متر) واقع است که به دلیل شرایط مناسب خاک و آب، سکونتگاه‌های روستایی نسبتاً زیادی با اقتصاد مبتنی بر زراعت و دام در آن شکل گرفته

است. برای فعال کردن جمعیت، بویژه زنان روستایی اقدامات متعددی از جمله صندوق‌های اعتبارات خرد (در 6 روستا از 15 روستا) به اجرا درآمده است (شکل 2).

شکل 2) نقشه توپوگرافی شهرستان سلماس و موقعیت دهستان لکستان



ب) روش: با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش از نوع توصیفی و علی پس از وقوع است. بدین منظور از 1159 نفر از زنان دهستان لکستان شهرستان سلماس که 312 نفر از آنها عضو صندوق و 847 نفر از آنها غیرعضو بوده‌اند با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای 252 نفری انتخاب شد (184 نفر از اعضای غیرعضو و 68 نفر عضو صندوق). در نمونه‌گیری از روش سهمی و خوشه‌ای هدفمند استفاده شد. به این صورت که از بین روستاهای دهستان، روستاهایی که دارای صندوق بودند به طور هدفمند به عنوان خوشه‌های گروه نمونه انتخاب شدند. در هر یک از این روستاها آزمودنی‌ها (که شامل زنان عضو صندوق و زنان غیرعضو بودند) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ویژگی گروه نمونه و جامعه مربوط به آن در جدول 1 آمده است.

جدول 1) ویژگی‌های جامعه آماری و گروه نمونه

روستاها	تعداد صندوق‌های اعتباری خرد	تعداد اعضای عضو صندوق‌ها	تعداد نمونه‌های انتخاب شده اعضای عضو	تعداد اعضای غیرعضو	تعداد نمونه‌های انتخاب شده اعضای غیرعضو
صدقیان	3	94	20	103	22
برگشاد	2	91	20	12	4
حبشی	1	34	7	215	47
حمزه کندی	1	41	8	203	44
آخته خانه	1	22	5	46	10

کنگولو	1	30	8	268	58
کل	9	312	68	847	184

اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌های توانمندی اقتصادی محقق ساخته و پرسشنامه اعتماد به نفس آی زینگ جمع-آوری شد. پرسشنامه‌های توانمندسازی اقتصادی از سه گونه پرسشنامه تشکیل شده است: پرسشنامه شماره یک برای زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد و شماره دو برای زنانی غیرعضو. پرسشنامه شماره یک، 18 سوال و پرسشنامه شماره دو، 14 سوال با چهار گزینه خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم تهیه گردید. پرسشنامه شماره 3 مشترک برای هر دو گروه بود که 30 سوال با سه گزینه، خیر، و نمی دانم را شامل می‌شد. روایی محتوایی پرسشنامه به دست آمد و اعتبار آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه شماره یک 0/78 و برای پرسشنامه شماره دو 0/80 و برای پرسشنامه شماره سه 0/85 به دست آمد. نتایج با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

4 یافته‌های پژوهش

برای بررسی یافته‌ها، ابتدا نتایج توصیفی، سپس یافته‌های مربوط به سوال‌های پژوهش ارائه می‌شود. نتایج مربوط به توصیف گروه نمونه نشان می‌دهد که از میان زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد 47/1 درصد در گروه‌های سنی 18-30، 36/8 درصد در 31-43 و 16/2 درصد نیز در بالاتر از 43 سال قرار دارند. در گروه زنان غیرعضو نیز 39/1 درصد در گروه‌های سنی 18-30، 32/6 درصد در 31-43 و 28/3 درصد در بالاتر از 43 سال قرار دارند، بر این اساس در هر دو گروه، بیشتر زنان، در گروه‌های سنی 18-30 قرار دارند (جدول 2).

جدول 2) مشخصات سنی پاسخگویان در هر دو گروه از زنان

گروه‌های سنی	زنان عضو		زنان غیرعضو	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
18-30	32	47/1	72	39/1
31-43	25	36/8	60	32/6
بیشتر از 43	11	16/2	52	28/3
کل	68	100	184	100

از ویژگی‌های دیگر افراد پاسخگو سطح سواد آنان می‌باشد. بر این اساس پاسخگویان در شش طبقه تقسیم شدند که در گروه زنان عضو صندوق 7/4 درصد بی‌سواد، 16/2 درصد ابتدایی، 35/3 درصد راهنمایی، 22/1 درصد دیپلم، 16/2 درصد فوق دیپلم و 2/9 درصد در مقطع لیسانس قرار داشتند. در گروه زنانی غیرعضو 23/4 درصد بی‌سواد، 39/7 درصد ابتدایی، 21/2 درصد راهنمایی، 10/9 درصد دیپلم، 3/3 درصد فوق دیپلم، و 1/6 درصد در مقطع لیسانس قرار داشتند. بنابراین در گروه زنان عضو 35/3 درصد در مقطع راهنمایی و در گروه زنان غیرعضو 39/7 درصد در مقطع ابتدایی بودند (جدول 3).

جدول 3) مشخصات زنان عضو و غیرعضو بر اساس سطح سواد

زنان غیرعضو		زنان عضو		وضعیت تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
23/4	43	7/4	5	بیسواد
39/7	73	16/2	11	ابتدایی
21/2	39	35/3	24	راهنمایی
10/9	20	22/1	15	دیپلم
3/3	6	16/2	11	فوق دیپلم
1/6	3	2/9	2	لیسانس
100	184	100	68	کل

در پاسخ به سوال اول) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی مؤثر است؟ از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود داشته است ($P < 0/01$ ، $t=23/7$ ، $df= 250$). در این میان میانگین توانمندی اقتصادی زنان عضو $3/55$ و این میانگین برای زنان غیرعضو برابر با $2/15$ بوده است.

جدول 4) مقایسه تفاوت توانمندی اقتصادی دو گروه نمونه

سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه
0/000	250	23/753	0/500	3/55	68	زنان عضو
			0/380	2/15	184	زنان غیرعضو

و در پاسخ به سوال دوم) آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟

نتایج با استفاده از آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان وجود داشته است ($P < 0/01$ ، $t=4/97$ ، $df=250$). در این میان میانگین اعتماد به نفس زنان عضو $25/4$ و این میانگین برای زنان غیرعضو برابر با 23 بوده است.

جدول 5) مقایسه اعتماد به نفس دو گروه نمونه

سطح معناداری	درجه آزادی	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه
0/000	250	4/975	3/07	25/39	68	زنان عضو
			3/50	22/99	184	زنان غیرعضو

5) بحث و نتیجه گیری

تحلیل و بحث نیز به ترتیب سوال‌ها ارائه می‌شود.

آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی موثر است؟

نتایج نشان داد، میان میانگین توانمندی اقتصادی زنان عضو بیشتر از میانگین زنان غیرعضو بوده است. در چارچوب دیدگاه جامعه‌گرا، رهیافت‌های متعددی از جمله نظریه توانمندسازی ارائه شده است. گرچه هریک از نظریه‌ها دارای طرفدارانی است، لیکن نظریه توانمندسازی با مقبولیت بیشتری روبرو است، زیرا این رهیافت نه تنها دارای بعد اقتصادی (فراهم آوردن درآمد) است بلکه دارای ابعادی سیاسی، اجتماعی بویژه روانی (اعتماد به نفس) نیز می‌باشد. لایپر (2002) معتقد است که برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر همراه باشد، و آلین و جیانگ (2008) در مطالعه خود نشان داده‌اند، اگر میزان سرمایه‌گذاری و خوداشتغالی وام‌گیرندگان به اندازه کافی زیاد باشد آنگاه اعتبار کم می‌تواند اقتصاد را از طریق صرفه‌جویی، از رکود به سوی توسعه کامل سوق دهد. تحقیقات مایو، راست و لطیفی نیز در افریقای جنوبی در ارتباط با اعتبارات خرد، فقرزدایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مانند کامرون، اتیوپی، بوتسوانا و کنیا نیز در آسیای جنوب شرقی بویژه در بنگلادش (بانک گرامین) و هند، حاکی از آن است که اعتبارات خرد با فقرزدایی دارای همبستگی مثبت است؛ و در نتیجه میان اعتبارات خرد و توانمندسازی انسانی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از این رو نتایج این پژوهش در همسویی با یافته‌های فوق‌الذکر می‌باشد.

آیا دسترسی زنان به اعتبارات خرد باعث بالا رفتن اعتماد به نفس زنان روستایی شده است؟

نتایج نشان داد که میانگین اعتماد به نفس زنان عضو بیشتر از میانگین زنان غیرعضو بوده است. این نتایج با یافته‌های موجود در همین راستا از جمله رحمانی (1386)، که معتقد است شبکه خرده وام‌دهی توانسته است به افزایش توانمندی‌های روانی و اجتماعی زنان عضو نسبت به زنان غیرعضو کمک نماید، همخوانی دارد. با نگاهی به نظریات مطروحه می‌توان دریافت که نظریه توانمندسازی برای زنان روستایی ایران، با راهبرد اعتبارات خرد و با ایجاد و تشکیل تعاونی‌های خود اشتغال محلی زنان، صندوق‌های تأمین اعتبار و آموزش و ترویج جهت تغییر فرهنگ قابل پیاده کردن است. بررسی یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، اعطای تسهیلات اعتبارات خرد موجب توانمندسازی زنان عضو نسبت به زنان غیرعضو از طریق افزایش درآمد و اعتماد به نفس در نواحی روستایی دهستان لکستان شهرستان سلماس گردید، همچنین در بالا بردن میزان مشارکت و افزایش میزان کارایی زنان، تغییر نگرش مردان نسبت به توانایی زنان و بعضاً تشویق آنان از طریق کمک تأثیرگذار بوده است. علیرغم آثار فوق‌الذکر، تسهیلات اعطائی هزینه‌های مورد نیاز را پوشش نمی‌دهد و بعضاً در راستای اهداف (ایجاد مشاغل پایدار) به کار گرفته نمی‌شود. از این رو:

- افزایش مبلغ تسهیلات بانکی از سوی نهادهای فرادستی و افزایش سقف اعتبار برای هر متقاضی پیشنهاد می‌شود.

6 منابع

- ازکیا، مصطفی و علی ایمانی، (1384)، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده، در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد روستایی و فقرزدایی بانک کشاورزی، مرکز تحقیقات اقتصادی.
- باستانی، سوسن، (1386)، توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان، مطالعات زنان، سال دوم، شماره 4.
- حسن‌زاده، علی و صالح قویدل، (1384)، چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره 49.
- خانی، فضیله، (1381)، اعتبارات خرد برای زنان روستایی (ضرورت‌ها و موانع)، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد اول، وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی)، تهران.
- خداوردی‌لو، سهیلا و فرامرز بریمانی، (1388)، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر و سرپرست خانوار، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، شهرداری (امور بانوان)، تهران.
- خزایی، علی، (1381)، تحلیلی بر تحولات ساختاری در نظام اعتبارات خرد و چگونگی تشکیل صندوق مشارکت زنان روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد اول، وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی)، تهران.
- رحمانی، مریم، (1386)، نقش شبکه خرده وام‌دهی در توانمندسازی زنان (مطالعه موردی: روستای پشت رود بم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان).
- رسول‌اف، جلال، (1381)، زنان روستایی و اعتبارات خرد، خوداتکایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد اول، تهران: وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی).
- رودافشان، ناهید، (1384)، تأثیر جهانی شدن بر توانمندسازی زنان (دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شاغل به تحصیل 1383-1384)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، تهران.
- ریکا، مهرا، آنلیز دروست ماسری و روبا رحمان، (1382)، اعتبارات مالی برای زنان، مترجم: فضیله خانی، ناشر دانشگاه الزهراء با مشارکت دفتر امور زنان روستایی و وزارت جهاد کشاورزی.
- زیاری، کرامت‌الله، (1383)، مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- شادلو، شیده، (1380)، نقش فرهنگ در متعال ساختن نگرش‌های جنسیتی برای توانمندسازی زنان با تأکید بر اسناد بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، جلد اول، مرکز امور مشارکت زنان، تهران.
- شادی‌طلب، ژاله، معصومه وهابی و حسن ورمزیار، (1384)، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره 17، 1.
- شکوری، علی، مریم رفعت‌جاه و معصومه جعفری، (1386)، مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و عوامل موثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره 3، شماره 1.

- صلاحی اصفهانی، گیتی، (1381)، **توانمندسازی زنان در توسعه روستایی**، در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد دوم، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی.
- کتابی، محمود، بهجت یزدخواستی وزهرا فرخی راستایی، (1382)، **توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه**، پژوهش زنان، دوره 1، سال 3، شماره 7.
- معظمی، میترا، (1380)، **راهنمای آموزشی طراحی برنامه‌های مالی خرد**، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی.
- نگین، وحیده، (1384)، **نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر**، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال 7، شماره 22.
- Ahlin, Ch. and N. Jiang, (2008), **Can micro-credit bring development?**, Journal of Development Economics, 123-145, Available at <http://www.sciencedirect.com>
- Lavoier, M. (2002), **Women and microcredit in Vietnam**, Anthropology Department, 100-115, available at: <http://www.sciencedirect.com>.
- Oxaal, Z and Baden, S. (1997), **Gender and Empowerment: Definitions, Approaches and Implications for Policy**, 2, Available at: <http://ids.ac.uk/badge>.